

## گرایش تفسیر سیاسی قرآن

معصومه دولت آبادی<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

### چکیده

با توجه به تحولات اجتماعی، سیاسی و علمی در دنیای جدید و ظهور مکاتب اخلاقی، فلسفی، اجتماعی و...، همچنین رشد روز افزون علوم، به ویژه در عرصه انسانی، نگاه‌های پرسش‌آمیزی به سوی قرآن دوخته شده است، مبنی بر این که قرآن کریم چه آموزه‌هایی در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی انسان دارد؟ در این مقاله به گرایش سیاسی در تفسیر قرآن، که بر اساس ذوق و علاقه مفسر و نیاز زمان شکل می‌گیرد، می‌پردازیم.

در مبانی «تفسیر سیاسی» توجه به اصل توحید و یگانه دانستن خداوند، جدایی‌ناپذیری دین از سیاست، استدلال بر آن، نبوت، امامت (متمم رسالت)، اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت در سیاست، با ارائه آیاتی از قرآن کریم بیان شده است. ویژگی‌های تفسیر با گرایش سیاسی، ارائه نمونه‌هایی از آیات که به مسئله حکومت و سیاست توجه دارند، آسیب‌ها و آفات گرایش‌های سیاسی در تفسیر و معرفی نمونه‌هایی از تفسیر با گرایش سیاسی از جمله مواردی است که در این مقاله مورد توجه قرار می‌دهیم.

**واژه‌های اصلی:** قرآن، سیاست، تفسیر، حکومت، اجتماع.

## مفهوم شناسی

**گرایش:** تأثیر باورهای مذهبی، کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و سبک‌های پردازش تفسیر قرآن است که براساس عقاید، نیازها، ذوق، سلیقه و تخصص مفسر شکل می‌گیرد (رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، ۲۳)، لذا اگر در تعریف روش معتقد باشیم که روش مستنداتی است که مفسر بر اساس آن‌ها کلام خود ساخته را به عنوان تفسیر، معنی و مقصود آیات الهی می‌شمارد و تنها راه دست‌یابی به مقاصد قرآن را همان مستندات می‌داند (عمید زنجانی، عباسعلی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ۱۸۷)، باید گفت تفسیر سیاسی یک روش و مبنای تفسیری نیست و از آن به گرایش سیاسی در تفسیر نام می‌بریم و در آن ذوق، علاقه و نیاز زمان برکار مفسر تأثیر گذاشته است.

**سیاست:** واژه سیاست از «ساس» و «السیاس» به معنی «ساس القوم»: دَبْرُهُم وَتَوَلَّى امْرَهُم (المنجد الطلاب، ۳۴۵) یعنی قوم را سیادت کرد و امورشان را تدبیر کرد و متولی آنان شد. سیاست در لغت به معنی حکومت، ریاست و داوری، مصلحت و تدبیر، عقوبت و مجازات و تنبیه، و تربیت به کار رفته است. دانشمندان اسلامی گفته‌اند «سیاست به معنی روش اداره جامعه است؛ به گونه‌ای که مصالح مادی و معنوی یکایک مردم تحقق یابد» و به دیگر سخن «سیاست، آیین کشورداری است»، لذا در این تعریف در سیاست قداست نهفته است و بر خلاف پندار رایج، با نیرنگ و فریب دادن دیگران همراه نیست. در این جا دو برداشت مثبت و منفی از سیاست به وجود می‌آید (نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، ۱۵ و ۱۶). ریاست، حکومت و سیاست به خودی خود زشت نیست، بلکه حسن و قبح آن تابع اهدافی است که رؤسا و سیاست‌مداران تعقیب می‌کنند (سویزی، علیرضا، مدیریت در قرآن و سنت).

**تفسیر:** مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن، براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره، است (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، همان، ۲۲).

### تاریخچه

قرآن کریم علاوه بر بیان اعتقادات و احکام فردی، به احکام اجتماعی، سیاسی و حقوقی توجه ویژه دارد. آیات سیاسی قرآن بر مبنای دخالت دین در سیاست پایه‌گذاری شده‌اند از این‌رو بسیاری از آیات به مسائل حکومتی و اصول سیاست داخلی و خارجی، و ... می‌پردازد.

از سویی قرآن ولایت الله و اطاعت از خدا و پیامبر و اولوالامر را در طول هم می‌داند و نظام سیاسی خاصی را پایه‌گذاری می‌کند و مقابل نظام‌های سکولاریستی (جدایی دین از سیاست)، دموکراسی (مردم‌سالاری) و انسان‌مداری ... می‌ایستد. پس ریشه بحث به خود قرآن و حتی پیش از آن باز می‌گردد، زیرا هر چند نبوت و حکومت دو امر جدا هستند، اما این گونه نیست که جمع‌پذیر نباشند، چون این دو در مورد برخی انبیا جمع شد (جوادی آملی، عبدالله، معارف، ش ۲۲، ص ۲۲).

مسئله برداشت‌های سیاسی از آیات قرآن در تاریخ تشیع کم و بیش مطرح بوده است تا این که در قرن ۱۳ هـ ق «شیخ محمد نجفی» در دائرة المعارف بزرگ فقهی خود «جواهر الکلام» به مسئله ولایت فقیه پرداخت. وی می‌گوید: «ظاهر عمل و فتوای اصحاب یعنی فقهای امامیه این است که به صورت عمومیت به ولایت فقیه معتقدند و آن را از مسلمات بلکه از ضروریات می‌دانند» (جواهر الکلام، ۱۶، ۱۷۸).

در استدلال به این امر می‌گویند: «زیرا اگر ولایت عامه فقیه نباشد، اکثر امور متعلق به شیعه معطل می‌ماند» (همان، ۲۱، ۳۹۷).

ملا احمد نراقی در کتاب «عواید الایام» به این مسئله پرداخته و نوزده روایت را بر شمرده که در آنها از فقها با عناوینی چون ورثة الانبیاء؛ امناء الرسل؛ خلیفة رسول الله؛ حصون الاسلام و... یاد شده است (ولایی، عیسی مبانی سیاست در اسلام، ۲۵۵). کلینی (اصول کافی، ۱، ۶۷) نیز روایات بسیاری از جمله مقبوله ابن حنظله را یادآور شده است، مبنی بر این که برای اختلاف کسی را انتخاب کنید که حدیث ما را روایت می‌کند، حلال و حرام را می‌شناسد و احکام ما را می‌داند. باید به حکمیت او راضی شوید، چون من چنین کسی را بر شما حاکم قرار دادم.

امام خمینی رحمته الله با نگرش کلامی نسبت به ولایت فقیه، آن را با دلیل عقلی و کلامی شکوفا کرد. وی مبحث ولایت فقیه را از قلمرو فقه بیرون آورد. ولی فقیه را جانشین امام معصوم معرفی کرد. ولایت فقیه را از مهم‌ترین احکام الهی شمرد و آن را بر جمیع احکام فرعی الهی مقدم داشت. امام در این رابطه حکومت را فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت دانست که در برخورد با جمیع معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، بر اساس مصلحت و مفسده و با تکیه بر دو عنصر زمان و مکان، ضروری است.

مفسران قرن اخیر نیز چون شیخ محمد عبده، سید محمد رشید رضا، سید محمد قطب، سید محمد حسین طباطبایی، محمد طاهر ابن عاشور، سید محمود طالقانی، و دکتر وهبه زحیلی هر کدام به گونه‌ای به معارف اجتماعی قرآن توجه کرده‌اند و به تناسب به طرح مختلف بحث‌های دامنه‌داری پیرامون دیدگاه قرآن درباره اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ و... پرداخته‌اند.

جدای از این تفاسیر کتاب‌های متعددی به عنوان تکنوگاری و تفسیر موضوعی در این حوزه نگاشته شده است، از جمله: حقوق و سیاست در قرآن، از محمد تقی مصباح یزدی و سیاست و حکومت در قرآن، کاظم قاضی زاده.

حوزه سیاست و حکومت یکی از حوزه های اجتماعی است. عناوینی چون: نظام الحكم فی الاسلام؛ والنظم السلامیه در تالیفات اندیشمندان عرب زبان هست. موضوعاتی چون حاکمیت، شورا، خلافت، ملک، سیاست خارجی، عدالت اجتماعی، ... نیز از این موضوعات است.

### مبانی تفسیر سیاسی

۱. سیاست با قدرت، مالکیت و فرمان راندن همگام است، پس سیادت و فرمانروایی مطلق خداوند اولین و مهم ترین مطلب در نظام سیاسی و بینش قرآنی است. سیادت و فرمانروایی مطلق ذات ربوبی بر این اندیشه کلامی استوار است که در ورای آگاهی و حقوق هر فرد و جامعه بر خویش، منبع آگاه، فیض رسان و دارای حقی هست که هم آگاهی و احاطه اش بر خیر و صلاح انسان از او بیش تر است «وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ»؛ و رعایت او و رضایتش نسبت به رضای دیگران سزاوارتر است و همو مولای واقعی است. نه تنها عالم تکوین از آن اوست و نه تنها مالک یوم الدین است، که مالک حقیقی آسمانها و زمین می باشد و ملکیت یکی از راه های زمینه ساز جواز تصرف است.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلِّقُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾؛  
(آل عمران / ۲۶) «بگو: «بار خدایا! خداوند فرمانروایی (و هستی)!» به هر که (شایسته بدانی و) بخواهی، فرمانروایی می بخشی؛ و از هر که بخواهی، فرمانروایی را باز می ستانی؛ و هر که را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی، خوار می گردانی؛ (همه ی) نیکی (ها) تنها به دست توست؛ که تو بر هر چیزی توانایی.»

این آیه، ثابت می کند که تدبیر جامعه از راه قانون گذاری، تعیین قاضی و

نصب حاکم و ولی امر مخصوص اوست، زیرا او هم از شئون تدبیر انسان‌ها و بخشی از تدبیر جهان است که به خدای متعال اختصاص دارد (مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، ۱۲۳).

۲. یکی از مبانی اصولی در گرایش سیاسی در تفسیر قرآن، تفکیک ناپذیری سیاست از دین، اصالت دیانت و پیروی سیاست از دیانت است. بی‌تردید قرآن به شأن اجتماعی، سیاسی، فرهنگی زندگی بشر توجه ویژه دارد.

یکی از ادله پیوند دین و حکومت، استلزام خطابات عمومی قرآن است که وظایفی را بر عهده جامعه گذاشته است. قرآن واجبات و تکالیفی را بر دوش جامعه گذاشته که امت اسلامی مخاطب آن است، از جمله جهاد با مشرکان، امر به معروف و نهی از منکر، فراهم آوردن ساز و برگ جنگی، و... (برخی آیات عبارت است از: بقره/ ۱۹۰، حجرات/ ۹، انفال/ ۶۰، آل عمران/ ۱۰۴، مائده/ ۳۸)، بنابراین جامعه باید قدرت و دولت مقتدری تشکیل دهد و این مهم را به آن واگذارد.

دلیل دیگر، وجود احکام خاص، نهادهای ویژه و راهبردهای جزئی سیاسی در قرآن است. موارد متعددی از احکام ویژه (مانند دیات، حدود، قصاص و...) و به طور کلی احکام جزایی و قضایی هست و وجود نهادهایی چون امر به معروف و نهی از منکر و تشویق به آمادگی نظامی در برابر دشمن و جهاد با کفار و منافقان و... که همه انکار ناپذیرند و مستلزم دخالت در سیاست هستند.

۳. مبانی کلامی مفسر، یعنی مبانی اعتقادی که با استدلال پذیرفته می‌شوند و شامل مباحثی چون توحید، معاد، امامت و عدل و... می‌باشند، تاثیر بسیار مهمی در اندیشه سیاسی متفکران دارند.

۴. مهم‌ترین بحث در علم کلام، «توحید» و «حاکمیت انحصاری خداوند»

است. این اعتقاد پایه عقاید دیگر از جمله عقاید سیاسی است و به عبارت دیگر مشروعیت حکومت اسلامی، نه بر محور اراده فرد یا افراد و نه اراده اکثریت مردم؛ بلکه بر اساس اراده الله است و به یقین خداوند اراده‌ای جز تامین مصالح بندگانش ندارد (سویزی، علیرضا، همان، ۴۰).

۵. از دیدگاه قرآن، نظام سیاسی و حقوقی، هدف نهایی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای هدف نهایی نظام اخلاقی. هدف آفرینش کمال و سعادت همه انسان‌هاست؛ نه یک فرد، پس باید همگان حق استفاده از همه نعمت‌های مادی و معنوی را داشته باشند، اما در مقام عمل زمانی که بخواهند از نعمت‌های خدادادی بهره بگیرند تراحم و کشمکش پدید می‌آید. برای از میان برداشتن تراحم و کشمکش‌ها تعیین حدّ و مرز برای افراد و گروه‌ها ضرورت می‌یابد، تا هر فرد یا گروه به اندازه‌ای از مجموع نعمت‌های خدا بهره برداری کند که بهترین نظام تحقق یابد (مصباح یزدی، محمد تقی، همان، ۴۶).

۶. مسایلی مانند «احقاق حق»، «بسط عدالت»، «آزادی‌های مشروع»، «تعلیم و تربیت»، «ایجاد بستر مناسب رشد فرد و جامعه» (نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، ۲۰) که از اهداف متوسط نظام سیاسی و حقوقی در قرآن است، مورد توجه مفسر سیاسی است.

۷. در نگاه سلبی، نظام سیاسی قرآن از هر گونه فریب، دروغ، نیرنگ، خدعه و سایر مظاهر شیطانی به دور است و بر مبنای نفی هر گونه ظلم، استبداد، استثمار و استعباد و مبتنی بر قسط و عدل می‌باشد.

۸. سیاست در قرآن، در حقیقت، راه بردن انسان در مسیر هدایت و کمال فرد و جامعه همراه با رعایت مصالح دنیا و آخرت و حذف موانع در مسیر رسیدن به سعادت راستین است.

۹. مبانی حقوق و آزادی سیاسی در قرآن در جهت «آفرینش آزاد» مردم از سوی خداست و نباید بنده دیگری، جز خدای یگانه، باشند و از نظر اجتماعی نیز در تعیین سرنوشت خود حق دارند.

۱۰. منبع سیاست و حقوق: کتاب، سنت، اجماع و دلیل عقل است، اما تنها منبع حقوق در اسلام «اراده تشریعی الهی» است. اهمیت کتاب و سنت از آن جهت است که هر دو نشانگر اراده تشریعی الهی اند (مصباح یزدی، همان، ۶۰).

### ویژگی‌های تفسیر سیاسی قرآن

۱. در گرایش سیاسی تفسیر قرآن، به آیاتی که مسایل اجتماعی، سیاسی، حقوقی و ولایی را مطرح می‌کند، بیشتر بها می‌دهند.

۲. در این گرایش مفسر کار خود را همیشه از مشاهده نوعی بی‌نظمی و مشکل که در جامعه و جهان وجود دارد، آغاز می‌کند و بعد از تشخیص مشکل به جست‌وجوی راه‌های حل مشکل می‌پردازد و در نهایت الگوی خود را برای درمان مشکلات از آیات قرآن ارائه می‌دهد و می‌کوشد به دین وسیله بحران‌های مهم جامعه را حل و فصل نماید (فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، ۲۰). وی در ریشه‌یابی علت مشکلات ملل مسلمان به ضرورت تشکیل حکومت و قدرت سیاسی پی می‌برد و علت تشکیل حکومت را از مباحث عقلی و نقلی دریافت می‌کند. در واقع او در پی تبیین وضع موجود و ارائه راه حل برای مشکلات و الگو برای رسیدن به جامعه آرمانی است. چگونگی تبیین وضع موجود و درک صحیح از چرایی مشکل، به عوامل مهمی (مانند: نوع جهان بینی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و مبانی فقهی و کلامی مفسر) بستگی دارد که تاثیر به‌سزایی در تفسیر آیات سیاسی می‌گذارند.

۳. پرسش‌هایی که او مطرح می‌کند، عبارت است از این که چه کسی باید



حکومت کند؛ چرا باید از حکومت پیروی کرد؛ چگونه می‌توان برای اداره جامعه تصمیم صحیح اتخاذ کرد (همان، ۱۸)؛ آیا قرآن آموزه‌های سیاسی دارد و آیا در این باره راهبردهایی را تعلیم می‌دهد؟

۴. هدف مفسر سیاسی، تنها توضیح علمی نیست، بلکه تغییر واقعیت، همراه با سرزنش یا تایید اخلاقی است. در واقع هدف مفسر با گرایش سیاسی، یافتن راه‌های کارآمدی حوزه سیاسی و اداره بهتر جامعه از آیات قرآن می‌باشد (فوزی، یحیی، همان، ۱۸).

۵. مفسر در این گرایش به حجیت عقل اعتقاد دارد و از روش تفسیر عقلی (به معنای اخص) بهره می‌برد.

۶. در گرایش سیاسی، گرایش علوم اجتماعی به معنای اعم، به وضوح نمایان است. مفسر گاه مسائلی را که در امت‌های پیشین اتفاق افتاده‌اند بررسی می‌کند و از میان آن تعدادی اصول و قواعد کلی که راهنمای زندگی اجتماعی‌اند، استخراج می‌کند و آن‌ها را برای بهبود وضع جامعه ارائه می‌دهد.

۷. در تفسیر سیاسی قرآن احکام سیاسی و حقوقی همراه با احکام اخلاقی بیان می‌شود، چون همه احکام سیاسی و حقوقی اسلام باید در چارچوب اخلاق واقع شود؛ مانند آیه ۷ سوره مائده. از آن جا که نظام حقوقی، سیاسی اسلام کاملاً بر مبانی دینی - از جمله اعتقاد به توحید و معاد - مبتنی است، اخلاق و حقوق دو جزء مهم از کل دین را می‌سازند و نیز در اساسی‌ترین معارف نظری دین ریشه دارند (مصباح یزدی، محمد، همان، ۴۵).

۸. به مسئله وحدت مسلمانان بر اساس آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ «و همگی به ریسمان خدا، تمسک جوید و پراکنده نشوید» توجه خاص دارند. و کمتر به سبک‌های ادبی و لغوی روی آورده‌اند.

۹. مفسران در این تفاسیر به جهت‌گیری‌های عصری در مبارزه با دشمنان اسلام به ویژه اسرائیل و استعمارگران غربی روی آورده‌اند. و در تفاسیر خود بر خطر دشمنان اسلام تاکید می‌کنند.

۱۰. مفسران در گرایش سیاسی از بیانی ساده و روان که برای همگان قابل فهم باشد، بهره برده‌اند.

### روش‌شناسی

تفسیر سیاسی می‌تواند به سبک تفسیر ترتیبی یا موضوعی انجام شود. در تفسیر سیاسی نباید از شیوه تحمیل بر قرآن استفاده کرد، چون به تفسیر به رأی منتهی می‌شود، اما می‌توان از شیوه استخدام علوم سیاسی برای فهم بهتر آیات قرآن یا استنباط نظام سیاسی از قرآن استفاده کرد. البته گاهی هم می‌توان به نظریه‌پردازی قرآنی در حوزه سیاست دست یافت، مثل مشروعیت از بالا به پایین «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «خدا را اطاعت کنید و فرستاده [خدا] و صاحبان امرتان را اطاعت کنید». هم چنین می‌توان مبانی سیاست را بر اساس قرآن شکل داد.

### معرفی تفاسیر با گرایش سیاسی

«گرایش» تاثیر باورهای مذهبی، کلامی جهت‌گیری‌های عصری و سبک‌های پردازش در تفسیر قرآن است که بر اساس ذوق، سلیقه و تخصص علمی مفسر شکل می‌گیرد، بنابراین بیشتر باید در تفاسیر جامع دنبال گرایش سیاسی بود. ما چند نمونه از تفاسیری را که رگه‌های گرایش سیاسی در آنها قوی‌تر است، معرفی می‌کنیم.

الف) تفسیر فی ظلال القرآن: این کتاب اثر سید ابن قطب ابراهیم الشاذلی (م: ۱۳۸۶هـ. ق) است. فی ظلال القرآن یکی از تفاسیری است که با گرایش

سیاسی و اجتماعی نگاشته شده است و هدفش احیای نهضت اصیل اسلامی است. برخی از اهداف سید قطب عبارت‌اند از:

۱. پر کردن شکاف عمیق بین مسلمانان عصر وی و قرآن.
۲. شناساندن رسالت علمی، سیاسی قرآن.
۳. تبیین غیرت دینی و روحیه جهادگری؛ آن گونه که مورد نظر قرآن است.
۴. تربیت اسلامی و قرآنی مسلمانان.
۵. نشان دادن راه‌های وحدت به مسلمانان.

#### نمونه‌هایی از تفسیر

۱) او در اثبات لزوم شورای مسلمانان در تفسیر آیه «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»؛

(شوری / ۳۸) می‌نویسد:

«از ویژگی‌های مؤمنان پیش و پس از تشکیل دولت، مشورت است، چون شورا مانند نماز است؛ نسبت به مسلمانان، اگر مؤمن نمی‌تواند نماز را ترک کند، شورا را نیز نمی‌تواند وانهد؛ به ویژه در امور عمومی که به مصالح امت متعلق است» (سید قطب، فی ظلال القرآن، ۱۱۹۰).

۲) آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ

النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...»؛ (نساء / ۵۸) «به راستی خدا به شما فرمان می‌دهد

امانت‌ها را به اهلش برگردانید و هنگامی که میان مردم حکم می‌رانید، به عدالت

داوری کنید»، را دلایل لازم بودن عدالت ورزی در عرصه داخلی و بین‌المللی

می‌داند. وی می‌نویسد:

«نص آیه حکم عادلانه بین مردم را به صورت مطلق بیان می‌کند و شامل

همه انسان‌ها می‌شود؛ نه تنها عدالت بین مسلمانان و نه تنها عدالت با اهل

کتاب، بلکه با سایر مردم، عدالت ورزی حق هر انسانی است. تمام بشریت

بر این وصف مجتمع می‌شوند: چه مومن و چه کافر، دوست و دشمن، سفید و سیاه، عرب و عجم.»

۳) سید قطب درباره پای‌بندی دولت اسلامی در وفای به عهد و پیمان‌های بین‌المللی و نفی پیمان شکنی می‌نویسد:

«گرچه دولت‌های غیر اسلامی برای حفظ مصالح خود به نقض پیمان و خیانت متوسل می‌شوند، دولتی با دولت دیگر پیمان می‌بندد، ولی پس از آن که دولت‌های پیشرفته را پیدا می‌کند، به نقض عهد با دولت‌های هم پیمان مبادرت می‌ورزد؛ ولی اسلام چنین شیوه‌ای را مجاز نمی‌داند و به طور جزم به وفای به عهد نظر می‌دهد و به گرفتن پیمان بر غیر از مسیر نیکوکاری و تقوی راضی نمی‌شود و هرگونه عهد و قرارداد را که بر مبنای گناه و سرکشی بسته شود و بر حق کشی از انسان‌ها مبتنی باشد و به فریب دولت‌ها و ملت‌ها بینجامد، از اساس برنمی‌تابد؛ پس دنیایی که در آن رهبری انسانیت را اسلام به عهده گیرد چه دنیای با آرامش و اطمینانی است و چه روابط سالم فردی و اجتماعی خوبی دارد (همان، ۴، ۲۱۹۲).

۴) سید ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا...»؛ (مائده / ۸) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قیام‌کنندگان برای خدا، [و] گواهی‌دهندگان به دادگری باشید؛ و کینه‌ورزی گروهی، شما را و ندارد که عدالت نکنید؛ عدالت بورزید»، می‌نویسد:

«عدالت خالصانه که جماعت مسلمان همراه با شهادت الله اجرا می‌کنند، از هر گونه مصلحت اندیشی، هوا پرستی و عاطفه ورزی به دور است؛ گرچه آن را مصلحت جماعت، امت و یا دوست بنامند و تنها رضا و تقوای الهی را در نظر دارد و بس» (همان، ۲، ۷۷۴).

ب) تفسیر التحریر و التنویر: شیخ محمد طاهر (ابن عاشور) (متوفای: ۱۳۹۳ هـ. ق) نویسنده این تفسیر است. وی گرایش عقلی متناسب با نهضت

علمی عصر را برگزیده و از سطحی نگری پرهیز کرده است. تفسیر وی بیشتر به مسائل تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی می‌پردازد و با توجه به نیاز روز و مسائل مطرح شده میان نسل جوان، به تفسیر و تبیین آیات و ارائه راه‌حل مشکلات حاضر در سایه رهنمودهای قرآن می‌پردازد.

### نمونه‌ای از تفسیر

(۱) «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، آیات جهاد ابتدایی را نسخ کرده و آزادی عقیده محکم است. در صدر اسلام قتال با مشرکان برای پذیرفتن اسلام وجود داشت. در روایت است که پیامبر فرمود: من مامور شدم با مردم قتال کنم تا لاله الا الله بگویند و پس از ایمان به خدا، خون و مالشان محفوظ است؛ مگر آنکه حقی بر آنان باشد. پس این آیه ظاهراً بعد از فتح مکه نازل شد و بعد از این که شهرهای عرب خلاص شدند؛ چون امکان دارد نزول یک سوره دو سال هم طول بکشد پس حکم قتال کافران با پذیرش اسلام نسخ و بر دخول کفار تحت سلطه اسلام بسنده گردید».

نویسنده در ادامه پس از جدا سازی آیات توسعه دین و دولت اسلامی، آیات مربوط به موضوع اول را منسوخ می‌داند و در مجموع آیات قتال را در ارتباط با «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، به سه دسته جدا تقسیم می‌کند و می‌نویسد:

«دسته اول آیات کارزار دفاعی است، مثل «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً...»؛ این قتال برای اکراه بر اسلام نیست، بلکه برای رفع غائله است. دسته دوم آیاتی است که بدون هیچ غایتی به قتال مشرکان امر می‌کند. اطلاق آن می‌تواند به غایت آیه «حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ»؛ (توبه / ۲۹) مقید باشد و در نتیجه معارض «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»؛ (بقره / ۲۵۷) نیست. دسته سوم آن چه غایت «حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»؛ (بقره /

۱۰۲) را دارد. این آیات به آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» و آیه «حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ...» منسوخ است» (ابن عاشور، التحریر والتنویر، ۳، ۲۶ - ۲۷).

۲) ایشان در جای دیگر از تفسیر خود ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»؛ (مائده / ۵۱) هشت نوع ارتباط با کفار را تصویر می‌کند و بعضی از آن‌ها را مورد نهی می‌داند (همان ۳، ۲۱۸ و ۲۲۰).

ج) تفسیر المنار (تفسیر القرآن العظیم): این تفسیر ناتمام به انشای شیخ محمد عبده (متوفی: ۱۳۲۳ هـ. ق) و املائی رشید رضا (متوفای: ۱۳۵۴) با گرایش اجتماعی، تربیتی، و جهت‌گیری سیاسی نگاشته شد. نویسنده به مشکلات مسلمانان در عصر خود توجه دارد و علل عقب‌ماندگی جامعه اسلامی را بررسی می‌کند و ساختن جامعه‌ای قوی در سایه برانگیختن امت اسلامی به انقلاب قرآنی علیه اوضاع عصر را ضروری می‌داند.

برخورد درست علمی با زندگی، عنایت کامل به تامین اسباب و علل تمدن اسلامی، برخورد با دشمنان، پاسخ‌گویی به تهاجم و شبیخون فکری استعمار علیه اعتقاد، تاریخ، تمدن و بزرگان اسلامی و ابطال ریشه‌ای تفکر آنان با ادله علمی و حقایق تاریخی از دیگر ویژگی‌های این تفسیر است.

همچنین یک برنامه تربیتی برای امت اسلامی ترسیم می‌کند و مسلمانان را به آراسته شدن به آداب و اخلاق اسلامی فرا می‌خواند و به قرآن و سنت به عنوان اولین مرجع قانون‌گذاری تأکید می‌ورزد.

#### چند نمونه از تفسیر

۱. رشید رضا مانند بسیاری از اهل سنت شورای مسلمانان را واجب و

الزامی می‌داند. او می‌نویسد:

«هنگامی که خداوند مشورت را برای پیامبرش واجب کرد، پس غیر از او اولی هستند. سیره خلفای راشدین و اجماع امت نیز بر این دلالت دارد؛ اگر چه بعضی از فقها از آن غافل شده و شوری را مستحب دانسته‌اند؛ نه واجب، چون می‌خواستند امیران و پادشاهان را راضی کنند. مقتضای آیه شریفه «شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران / ۱۵۹) این است که هنگامی که پس از مشاوره در کاری عزم بر امضا آن چه شورا آن را ترجیح داد، نمودی، در امضای آن به خدا توکل کن» (رشید، رضا تفسیر المنار، ۴، ۲۰۵۰).

در جای دیگر می‌نویسد:

«حکومت اسلامی از آن امت است و شکل آن شورا است و رئیس آن امام اعظم است» (همان، ۱۱، ۲۶۵).

۲. صاحب المنار آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...» آورده است:

و آیه قبل از آن، را اساس حکومت اسلامی می‌داند و می‌نویسد:

«اگر در قرآن غیر از این دو آیه نازل نگردیده بود، کافی بود که مسلمانان تمام احکام خود را بر آن بنا نهند» (همان، ۵، ۱۶۸).

۳. رشید رضا به ارتباط دین و حکومت بدون آن که همه آن چه در حوزه سیاست و حکومت لازم است، در مجموعه دین باشد، معتقد است. وی تبعیت از پیامبر را شامل تبعیت از قرآن و در تشریحات نبوی می‌داند که شامل تبعیت در امور عادی مثل «کلوا و ادهنوا به» نمی‌شود: اموری که نه تقریبی در آن است و نه حقوقی که مقتضای شریعت باشد (همان، ۹، ۳۰۳).

د) من الوحي القرآن: سید محمد حسین فضل الله تالیف این تفسیر را در سال ۱۳۹۹ هـ. ق به پایان برد. تفسیر تربیتی، اجتماعی من الوحي القرآن همراه

با گرایش حکومتی و سیاسی است. وی می‌خواهد کار سید قطب در فی ظلال القرآن را در تفسیرش احیا کند. و می‌کوشد برای تحقق خلافت خدا بر زمین، بین انسان و محیط طبیعی و اجتماعی او سازگاری برقرار نماید.

**ه) الکاشف:** علامه شیخ محمد جواد مغنیه (متوفای: ۱۴۰۰هـ.ق) از علما و مبارزان لبنان نویسنده الکاشف است. و روحیه ضد صهیونیستی قوی او در نوشته‌هایش نمایان است. با توجه به این که مغنیه خود مناصب حکومتی داشت و از منادیان تقریب مذاهب بود، تفسیرش نیز در جهت تقریب و وحدت اسلامی نگاشته شده است. وی تفسیر تک جلدی دیگری به نام «مبین» دارد.

**و) تفسیر مراغی:** شیخ احمد مصطفی مراغی نویسنده این تفسیر جامع معاصر است. تفسیر وی جنبه اجتماعی، اخلاقی و تربیتی همراه با گرایش سیاسی دارد. از ویژگی‌های تفسیر مراغی بیان مشکلات جوامع و علل انحطاط دولت‌های اسلامی است. به منشأ دردها و اسباب درمان آن‌ها آشناست و در تفسیر خود به علاج و ریشه‌کنی آن‌ها در سایه قرآن توجه دارد. در بسیاری از جاها مسئولان حکومتی را مورد خطاب قرار می‌دهد و خود خواهان اصلاحات و انقلاب علیه موانع پیشرفت اسلام و مسلمانان است.

**هـ) تفسیر نمونه:** نوشته حضرت آیت الله مکارم شیرازی و از تفاسیری است که به مباحث سیاسی و اجتماعی مسلمانان توجه دارد.

**ز) تفسیر نور:** حجت الاسلام والمسلمین قرائتی نویسنده این تفسیر است. تفسیر نور نیز به مباحث سیاسی و اجتماعی مسلمانان علاقه‌مند است.

**ح) تفسیر قرآن مهر:** نوشته دکتر رضایی اصفهانی و از تفاسیری است که به مباحث سیاسی و اجتماعی مسلمانان توجه دارد.



## آسیب‌ها

تفاسیری با گرایش‌های تند سیاسی در حمایت از احزاب خاص و منحرف و گروهک‌ها نوشته شده‌اند. نویسندگان این کتاب‌ها در سایه حرکت‌های التقاطی سیاسی، دینی و با داعیه تحمیل اهداف حزبی بر قرآن، این تفاسیر را ارائه کرده‌اند. این نوع تفاسیر به صورت مقطعی و پراکنده انجام گرفته است و چون نوع مخاطبان آن‌ها به مبادی و آداب لغت‌آشنایی نداشتند، نویسندگان از همین فقر سوء استفاده و تلفیق‌های خود را در قالب تفسیر ارائه کردند. روش این تفاسیرها کاملاً تحمیل بر قرآن است و حتی با ظاهر قرآن هم سازگار نیست.

## نمونه‌ها

### الف: گروه زنان

نمونه‌های روشن این دسته از نوشته‌ها، جزوه‌هایی است که به عنوان جزوات تفسیری از جانب گروهک‌های التقاطی مثل گروه فرقان انتشار یافته است، مانند: تفسیر سوره بقره از جواد صابر، تفسیر سوره مریم، نمل و قصص از احسان کمالی، تفسیر سوره یوسف، تفسیر جزء سی‌ام یا تفسیر سوره نبا تا ناس از محمد حسین آل یاسین و نیز تفسیر سوره مزمل از احسان کمالی، مدثر، قیامت، انسان و مرسلات از نجم الدین منتظر، تفسیر سوره ذاریات، ق، و ترجمه کامل از قرآن نیز از آنان منتشر شده است. همچنین آثار دیگر آنان عبارت است از: تفسیر فاطر، یس، صافات، تفسیر احزاب، تفسیر سبأ و نجم، تفسیر عنکبوت و روم، تفسیر لقمان و سجده، تفسیر شوری و زخرف، تفسیر محمد؛ فتح و حجرات، تفسیر دخان، جاثیه و احقاف، تفسیر مومن و فصلت، تفسیر فرقان و نور، با نام نجم الدین شکیبا و تفسیر سوره انبیا از حسین صادقی (جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، ۵۴۹ و ۵۴۶).

اینک به نمونه‌هایی از تفسیرهای قرآنی آنان توجه می‌کنیم:

در کتاب توحید و ابعاد گوناگون که به نام داوود قاسمی چاپ شده است اصول کلی مستخرج از قرآن درباره انسان‌شناسی، ایمان و انقلاب است. در این کتاب از مرحله غیب انقلاب و مرحله شهود آن سخن به میان آمده و به تفصیل از قرآن، برای مرحله پیش از انقلاب و پس از پیروزی، بهره‌گیری شده است، در آیه دوم سوره بقره ایمان به غیب را به معنای «ایمان به غیب انقلاب» تفسیر کرده است. در باره ارتباط غیب و صلاة هم آمده است: به طور کلی همه اصول تئوریک حزب توحیدی در مرحله غیب انقلاب، در کلمه صلاة جمع شده‌اند. در تفسیر وحی گفته‌اند: «وحی در تعریف کلی آن همان شناخت پدیده نسبت به راه تکامل خویش بر حسب ظرفیت وجودی و در مدار تکاملش یا به قول امام آن انفجار درونی و درد تکامل خواهی می‌باشد» (جعفریان، رسول، همان، ۵۴).

در داستان یوسف، گرگ را به معنای ضد انقلاب گرفته‌اند که حضرت یعقوب علیه السلام، او را برای به دام انداختن ضد انقلاب به سوی آن‌ها فرستاد. یا برای مثال محراب را به معنای سنگر گرفته‌اند و امام را رهبر انقلابی دانسته‌اند. گاو بنی اسرائیل را کنایه از نظام سرمایه‌داری دانسته‌اند.

«راه چاره چیست؟ ذبح کردن آن گاو! آری باید واسطه‌های بازاری، سرمایه‌داران، صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها از بین بروند».

در این میان بیش از همه، استاد مطهری از این تفاسیر برآشت و در مقدمه کتاب علل گرایش به مادی‌گری تحت عنوان «ماتریالیسم در ایران» سخت به آرای تفسیری آن‌ها حمله کرد. وی در یادداشت‌های خود نیز نقدهایی بر تفاسیر فرقان نوشت. این متفکر بزرگ انقلاب اسلامی ایران می‌نویسد:

«خلاصه همه قرآن را از دیدگاه طبقاتی تفسیر کرده‌اند؛ گویی قرآن آمده است در ۱۴۰۰ سال پیش که نظریه ماتریالیسمی مارکس را پیاده کند».

در جای دیگر ایشان می‌نویسد:

«این‌گونه تفاسیر یعنی خالی کردن مفاهیم دینی از معنویت و همه را تفسیر مادی کردن، به معنی خالی کردن زیر پای دین و مذهب است. همان سیاستی که مارکس پیشنهاد کرد که برای مبارزه با دین باید همه مفاهیم دینی را تفسیر مادی کرد و الحق بهترین راه همین است» (مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادی‌گری، ۳۸ به بعد).

این گروهک منحرف بر اساس آیه «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» تلاش برای آزاد ساختن اسلام علی از اسارت آخوندیسم را طرح کردند و بر اساس همین تفکر مادی و تفسیر نادرست دست به ترور محمد ولی قرنی و استاد مطهری زدند.

#### ب: گروه منافقین خلق

همچنین نوشته‌های منافقین موسوم به مجاهدین خلق از همین دست است. اینان بیشتر به مسئله نسخ روی آوردند و آیات محکم را همان اصول کلی و ثابت شریعت و آیات متشابه را به احکام متغیر مبتنی بر آن اصول، تفسیر کردند که با تغییر شرایط تغییر می‌یابد. آنان از نسخ مستمر و همیشگی احکام سخن گفته و می‌خواستند با این شیوه افکار الحادی خود را در پوشش دین جلوه دهند (معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسرون، ۲، ۵۰۹). اکنون چند نمونه از اعتقادات و تفسیرهای به دور از واقعیت آن‌ها را می‌آوریم.

حنیف نژاد از اعضای اصلی سازمان مجاهدین خلق می‌نویسد:

«منظور از مؤمنین در آیه سوم جاثیه چیست؟ از نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که منظور، مؤمنین مسلمان باشند، در حالی که چنین نیست، زیرا با

در نظر گرفتن آیات بعدی مخاطب این آیات ضمناً کسانی هستند که ایمان به خدا ندارند» (حنیف نژاد، راه انبیا، ۱۹۹، جعفریان، همان، ۳۸۷).

وی آیه شریفه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ»؛ «بقره /

۲۵۱» را چنین معنا می‌کند:

«اگر نبود دفع کردن (نفی) خدا بعضی مردم را به واسطه دیگر (طبقه‌ای با طبقه دیگر) تباه می‌شد زمین (فساد طبقه حاکم انسان را منقرض می‌کرد)، ولی خدا بر جهانیان کرامت دارد. از این آیه شان تکامل اجتماعی و آن هم از درون به خوبی پیدا می‌شود» (همان، ۶۵).

سازمان مجاهدین خلق معتقد بود وظیفه اساسی سازمان این است که باید اسلام اصیل و بی‌پیرایه را از سر چشمه‌های زلال آن (قرآن و نهج البلاغه و ...) به دست آورد؛ آن هم نه بر اساس استنباطات مفسران، بلکه بر پایه استنباط خود سازمان که به اصطلاح مجهز به علم مبارزه و تشخیص صحیح از سقیم در شرایط پیچیده روز بود (همان، ۳۸۹).

این گروه مارکسیسم زده در تفسیر سوره ناس نوشته‌اند:

«بگو پناه می‌برم به سر رشته دار مردمان، زمامداران، ایده آل مردم، از شر افسون نظام افسون‌گر خودناپیدا، که همی در سینه مردمان می‌دمد».

در تفسیر سوره فلق می‌خوانیم:

«بگو پناه می‌برم به نوزایی قوانین؛ سر رشته دار سپیده دمان؛ سپیده دمان انقلاب، سپیده دمان سیاهی شکافی تاریک شکن، اغوا شکن؛ تزویر شکن، اوهام شکن، خرافه شکن، بیدادشکن؛ از شر آنچه کهنه شده است... از شر هر نظام سیاهی که با فضای هستی انسان‌ها را فرا گیرد و از شر قدرت‌های افسون‌گردمنده در گره‌های اراده خلق‌ها، با وسایل تبلیغی، رسانه گروهی...».

گویا قاموسی که در دست این نویسنده بوده تاکنون به دست هیچ کس نرسیده است، زیرا هیچ یک از این معانی در هیچ کتاب لغتی برای الفاظ قرآن ذکر نشده است (معرفت، محمدهادی، همان، ۲، ۵۰۹).

یکی از مدعیان تفسیر در باره جمله «اقیموا الصلاة» می‌نویسد: منظور آن است که آتش انقلاب را به پا دارید. وی معتقد است که صلوة یعنی آتش انقلاب و دلیل آن را آیه‌ای می‌داند که فرمود: همانا صلوة شما را از زشتی و ناپسندی باز می‌دارد. وی می‌نویسد:

«در حال حاضر حدود یک میلیارد مسلمان نماز می‌خوانند، ولی هرگز از فحشا و منکرات دوری نگزیده‌اند، در این صورت اگر صلوة به معنی نماز باشد، این آیه دروغ خواهد بود زیرا ادعای قرآن عملاً واقع نشده است، پس ناگزیم بگوییم صلوة مفهوم دیگری دارد و آن آتش انقلاب است و این که آیه صلوا نگفته، بلکه اقم، یعنی به پا دارید را به کار برده، تایید دیگری است بر ادعای ما» (بهشتی، روش برداشت از قرآن، ۲). دیگری واژه صلوة در جمله اقیموا الصلاة را به پیوستگی میان اعضای یک حزب یا پیوستگی به طور مطلق معنی کرده است (مطهری، مرتضی، همان ۴۶).

آیت الله مطهری در کتاب علل گرایش به مادیگری به این گونه تفسیر می‌تازد و نمونه‌هایی از آن را نشان می‌هد. به عنوان مثال ایشان می‌نویسد:

«از نظر شما قرآن جز فلسفه» قرآن فلسفه مدون حزب خدا" فلسفه‌ای که تنها یک هدف دارد و آن پیروز گردانیدن محروم شدگان بر قدرتمندان است، نیست. تمام مسایل قرآن بر محور انقلاب و فلسفه انقلاب است، خداوند حزب تشکیل داده و حزب خدا، همه نیروهای متکامل جهان، دارای هر عقیده و مذهب، می‌باشند و خداوند می‌خواسته است یک حزب تشکیل دهد و یک فلسفه انقلابی برای حزب بنویسد و همین کار را هم کرده است. برای فهم فلسفه انقلاب، انقلابی بودن کافی است و شرط

دیگری ندارد. و با انقلابی نبودن هیچ شرطی مفید نیست لهذا آن جا که خواسته اید به مفسر بزرگ معاصر که البته گناه بزرگش تالیف کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم و نقد ماتریالیسم و دیالکتیک است. اهانت کنید، گفته‌اید مفسر قرآن در نظام استعماری باید کوهی از مواد، فلسفه، منطق، حکمت، کلام، نقد، اصول، صرف و نحو... باشد که سنگینی آنها او را آزار داده و از میان "تن"ها به تنهایی بکشاند، زیرا به مفاد آیه هر کس وزنش سنگین تر باشد، پیروز است... خلاصه برای اینکه تفسیر، تفسیر امام باشد، دنبال سخن امام رفتن ضرورتی ندارد، باید تفکر تفکر امام باشد و تفکر آنگاه تفکر امام خواهد بود که فرد از نظر طبقاتی در طبقه امام (طبقه محرومان تاریخ) باشد و عملاً درگیرهای طبقاتی او را داشته باشد تا مانند او تجربه کند و بیندیشد (مطهری، مرتضی، همان، ۳۸ و ۳۹).

بر اساس سیاست‌زدگی و تفکرات غلط آیه کریمه ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾ را این‌گونه تفسیر کرده‌اند:

«منظور غیب معهود و شناخته شده همان مراحل ابتدایی رشد انقلاب توحیدی و زمان انجام تحولات کمی است».

در تفسیر آیه ﴿وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ می‌گویند:

«اینان به نظام برتر در مرحله شهادت انقلاب یقین دارند و می‌دانند که این موضع‌گیری‌های خاص و این روش انقلابی سر انجام آنان را به هدف خویش که رسیدن به نظام برتر است می‌رساند...».

هر جا که نام دنیا آمده، آن را با کلمه «زندگی پست‌تر» ترجمه کرده‌اید ولی مقصود از زندگی پست‌تر را منحصرآ زندگی در نظام سرمایه‌داری قرار داده‌اید و آخرت را به معنی نظام برتر ترجمه کرده‌اید، به معنی نظام عادلانه سوسیالیستی که بعد از این نظام بر قرار خواهد شد، دانسته‌اید (همان، ۴۴).

از این قبیل تفاسیر به رای در میان گروهک‌های به ظاهر انقلابی بسیار است.

یکی موسی را کنایه از روح انقلاب توده‌های زحمت‌کش و فرعون را اشاره به رژیم‌های جبار می‌گیرد. دیگری عیسی را به معنی افکار زنده‌کننده اجتماع و مریم را کنایه از روح پاکی و عفت می‌داند و کم‌کم دامنه این تفسیر به رأی به احکام و قوانین اسلام کشیده می‌شود.

یکی از انتقادهای اساسی نسبت به اندیشه‌های دینی این گروه‌ها نگاه ابزاری به دین، برای ایجاد تحول و تحرک اجتماعی و بالا بردن کارکرد دین است.

**نتیجه:** آیات سیاسی در قرآن بر مبنای دخالت دین در سیاست پایه‌گذاری شده است. نظام خاص سیاسی در قرآن بر اساس ولایت الله و اطاعت از خدا و رسول و اولوالامر نهادینه شده است که خود گویای توجه قرآن به رهبران جامعه است.

مبانی تفسیر سیاسی در قرآن بر اساس سیادت و فرمانروایی مطلق خداوند، تفکیک‌ناپذیری سیاست از دین، تاثیر مبانی کلامی و نوع اندیشه و جهان‌بینی در برداشت از آیات سیاسی، و به همان نسبت تعیین اهداف نهایی و متوسط نظام سیاسی پی‌ریزی می‌شود.

از خصوصیات تفاسیر سیاسی، این است که مفسر با استفاده از شیوه اجتهادی با توجه به برداشت‌های قرآنی، حدیثی، فقهی و کلامی، به تبیین وضع جوامع و ارائه الگو برای حل معضلات و رسیدن به جامعه آرمانی می‌پردازد. به علاوه احکام سیاسی و حقوقی همراه با احکام اخلاقی را بیان می‌کند. به دور از سبک‌های ادبی و لغوی با بیانی ساده و شیوا و روان به مسئله وحدت مسلمانان در رویارویی با دشمنان اسلام می‌پردازد. توجه به پایانه تاریخ قدرت سیاسی نیز که همگام با پیروزی مستضعفان در زمین و کاشتن نور امید و روشنایی در دل‌های آنان است، از نقطه نظر مفسر سیاسی قرآن دور نمی‌ماند.

افراط و تفریط از آسیب‌های تفسیر آیات سیاسی به شمار می‌رود. جدا کردن دین از حوزه سیاسی و انحصار آن به اعمال عبادی، حل شدن در حکومت‌های سکولار و بی‌دین، از آفات این گرایش است. از سوی دیگر گرایش سیاسی تند و تیز در حمایت از احزاب و گروهک‌های به ظاهر انقلابی، از آسیب‌های جدی است که به تفسیر به رای می‌کشد.

در خاتمه به معرفی نمونه‌هایی از تفاسیر که به مناسبات اجتماعی، سیاسی آیات توجه دارند، پرداختیم.



## فهرست منابع و مآخذ

۱۷. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر والتنویر، دارالتونسیه للنشر، تونس.
۱۸. حسینی بهشتی، محمد روش برداشت از قرآن، تهران، ۱۳۶۱.
۱۹. جعفریان، رسول، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، چاپخانه اعتماد، قم، ۱۳۸۵، چ ششم.
۲۰. جوادی آملی عبدالله، حکومت دینی، مجله معارف، ش ۲۲، س ۱۳۸۳.
۲۱. رشید، رضا، محمد، تفسیر المنار، دارالمعرفه، بیروت، چ سوم.
۲۲. رضایی اصفهانی، محمد علی، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۲، چ اول.
۲۳. سویزی، علیرضا، مدیریت در قرآن و سنت، انتشارات علوم اسلامی، اراک، چ اول.
۲۴. سید قطب، فی ظلال القرآن، دارالشروق، لبنان، چ پانزدهم.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۲، چ چهارم.
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، چ سوم.
۲۷. فوزی یحیی اندیشه سیاسی امام خمینی، نشر معارف، قم، ۱۳۸۴، چ اول.
۲۸. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، دارالجیل، بیروت.
۲۹. قاضی‌زاده، کاظم، سیاست و حکومت در قرآن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، چ سوم.
۳۰. لکزایی، شریف، ولایت فقیه، بوستان کتاب، قم.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۸، چاپ اول.
۳۲. مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگری، انتشارات صدرا، چ هشتم.
۳۳. معرفت، محمدهادی، هادی، تفسیر و مفسران، موسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۸۰، چ دوم.
۳۴. نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۵، چ دهم.
۳۵. ولایی، عیسی، مبانی سیاست در اسلام، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.